

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل هفتم :

کلیسا پیام آوری است که به مشارکت

دعوت می کند

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت سوم : روح القدس از راه کلیسا به مسیح شهادت می دهد

فهرست

- ۵۳۷ فصل هفتم: کلیسا پیام آوری است که به مشارکت دعوت می کند
- ۵۳۷ در برابر مأموریت کلیسا چه وسوسه ای وجود دارد؟
- ۵۳۸ قسمت نخست: خداوند عیسی کلیسای خود را می فرستد
- ۵۳۸ ۱- کلیسا، خانواده ی بزرگ من است!
- ۵۴۰ «خلاصه ی تعلیمات رسمی»
- ۵۴۱ ۲- راز مسیح - راز کلیسا
- ۵۴۲ ۳- کهنات مسیح - کهنات کلیسا
- ۵۴۲ الف - کهنات مسیح
- ۵۴۳ ب - کهنات کلیسا
- ۵۴۳ ۴- مأموریت کلیسا دعوت کردن به مشارکت است
- ۵۴۳ الف - مقدمه: آیا آمدن پرجلال عیسی دچار تاخیر شده است؟
- ۵۴۴ ب - رسالت عیسا
- ۵۴۵ ج - رسالت کلیسا
- ۵۴۷ «خلاصه ی تعلیمات رسمی»
- ۵۴۸ قسمت دوم: کلیسا به چه کسانی فرستاده شده است؟
- ۵۴۸ ۱ - اعلام به همه ی ملت ها
- ۵۴۹ ۲- نجات غیر مسیحیان
- ۵۴۹ الف - خدا قادر است همه را نجات دهد و آن را می طلبد
- ۵۵۲ ب - عیسا مسیح، یکتا منجی و واسطه ی ماست
- ۵۵۴ ج - راه های غیر مسیحیان به سوی نجات
- ۵۵۵ ۱- نوبر
- ۵۵۶ ۲- رفتار ما با فقیران همان رفتار ما با عیسا می باشد
- ۵۵۸ ۳ - امتیاز مسیحیان

فصل هفتم

کلیسا پیام آوری است که به مشارکت دعوت می کند

در من آویزید تا نازان شوید گرچه جفانید شهبازان شوید

(مثنوی، دفتر اول، ۱۱۶۰)

مقدمه:

در برابر مأموریت کلیسا چه وسوسه ای وجود دارد؟^۱

از قبل به خوبی آگاهی داریم که کلیسا مأموریت شهادت دادن به ایمان ما را از عیسا یافته است. اما در برابر این مأموریت می توانیم چندین سوال یا اعتراض مطرح کنیم:

* ارزش تمام ادیان برابر است، پس چرا از شخصی بخواهیم دین خود را عوض نماید؟ > ولی اگر ارزش تمام ادیان برابرند، چرا پدر آسمانی یگانه پسرش را نزد ما فرستاد؟ <

* علاوه بر این، تنها مسیح نجات دهنده ی تمام انسان هاست، بنابراین، همان طور که او به ما فرمان داد، مجبوریم به هر وسیله باشد، حقیقت را اعلام کنیم تا بیشتر افراد تعمید یافته نجات یابند.

> اما آیا خود مسیح همه ی وسایل لازم را به کار برد تا مژده را اعلام کند؟ <

* خودم باید تعمق خاص کلیسایم بر مسیح را منتقل ساخته تعلیم دهم، زیرا حقیقت در همان سنت می باشد. > اما آیا کلیسایم، اول از همه مانند معلم دینی که خود صاحب حقیقت می باشد، هست؟ و آیا روش امروز درک کردن مژده ی انجیل به عمق تمام راز را درک کرده و آن را بی حاصل نموده و چیزی از آن باقی نمانده؟ <

جوان: به نظر من اشکالات دیگری هم وجود دارد:

* باید اول نگران آنانی که نزد ما هستند باشیم و مسیحیانی که درباره ی دین خودشان زیاد اطلاع ندارند، تعلیم دهیم.

* اگر راز کلیسا را اعلام کنیم، در خطر می افتیم که در برابر عکس العمل قاطع قرار می گیریم که به زودی کلیسای کوچک ما را از میان خواهند برد. بنابراین، حکمت و درایت به ما می آموزد که آرام بمانیم، چون زمان اعلام کردن مژده هنوز در محیط ما فراهم نشده است.

* و بالاخره اگر واقعاً می خواهیم شهادت دهیم بهتر به کشور دیگر رویم که در آن شهادت ما پذیرفته می گردد.

۱- در ارتباط با این موضوع، علاوه بر شورای اسقفان واتیکان دو، اغلب از نامه ی ژان پل دوم به عنوان مأموریت نجات دهنده ما استفاده خواهیم کرد، زیرا که به صورت کاملاً روشن بحث ما را روشن و آشکار و تشریح می نماید. متن این نامه همراه متون شورای اسقفان واتیکان ۲ درباره ی این موضوع به صورت کامل، به عنوان «آیا فرستاده شده ایم؟ و مأموریت کلیسای ما» موجود است.

پیر: حق با شماست و می توانیم دلایل دیگر نیز اضافه کنیم، مثل بی طرفی ما از دیدگاه ایمان و بی تفاوتی ما نسبت به نجات افرادی که از گروه ما نیستند. تقیه ما باعث می شود که ما هم مثل همه باشیم و علناً ایمان خودمان را اعلام نکنیم، زیرا سبب آبروریزی می گردد.



اتفاقاً پاپ ژان پل دوم در شروع نامه ی رسمی خود به عنوان «مأموریت نجات دهنده ی ما» این انتقادات را به خوبی خلاصه نمود: «هر چند، که در نتیجه ی تغییراتی که در عصر امروز رخ داده و از گسترش تفکرات الهی جدید بعضی از مردم در شگفتند که: آیا مأموریت مذهبی بین غیرمسیحیان هنوز مؤثر است؟ آیا با گفتگوی متقابل مذهبی بین ادیان جایگزین نشده است؟ آیا پیشرفت بشریت هدف کافی برای مأموریت کلیسا نمی باشد؟ آیا احترام به وجدان و آزادی، همه کوشش ها را جهت تغییر مذهب خنثی نمی سازد؟ آیا دست یابی به نجات در هر مذهبی امکان پذیر نیست؟ پس چرا باید به مأموریت ادامه داد؟ بنابراین باید موضوع مأموریت کلیسا را که مستقیماً به تمام تعمید یافتگان مربوط می باشد، عمیقاً بررسی نماییم». (شماره ی ۴)

بنابراین، در این فصل نسبتاً طولانی کوشش خواهیم کرد، مأموریت مسیح و در نتیجه مأموریت کلیسا را به دقت بررسی کنیم و کوشش خواهیم نمود و در آخر این فصل به مهم ترین اشکالاتمان جواب دهیم.

قسمت نخست: خداوند عیسی کلیسای خود را می فرستد

۱- کلیسا، خانواده ی بزرگ من است!

در فصول قبلی (۶ تا ۳)، راز کلیسا را به عنوان مشارکت در مسیح توسط روح القدس و هم چنین راز شام آخر را بررسی نمودیم، حال باید درباره ی مأموریتی که عیسا به کلیسایش واگذار کرده (فصل ۷ و ۸ و ۹) و هم چنین رازهای کلیسایی که به او اقتدار می دهد که این مأموریت را با قدرت روح القدس انجام دهد (فصول ۱۰-۱۴) را بررسی نماییم.

جوان: آن طور که درباره ی موضوع مشارکت درک می کنم، کلیسا مانند خانواده ی من که وقتی در شب بر سر سفره نشسته غذا می خوریم و پدرمان نان را تقسیم می کند، می باشد. همان طوری که درباره ی شام آخر و قربانی مقدس دیده ایم. پس چرا شما می خواهید در امور همسایگان ما که از خانواده ی ما نیستند دخالت کنیم؟

پیر: این تشبیه شما درباره ی خانواده بیشتر منطبق با حقیقت است، اما بسیار محدود می باشد؛ همان طور که حرف شما درباره ی همسایگان خود نشان می دهد: مشارکت کلیسا، در یک



گروه بسیار گرم و صمیمی محدود نمی شود که باعث می شود همبستگی با همسایگان خود را از بین ببرد. برعکس، از راه آن محبتی که مسیح به ما ارزانی می دارد، باعث تقویت آن می شود. به نظر شما این مشارکت بر دوستی انسانی و طبیعی بنا شده است یا طبق کلام خدا بر ایمان و محبت (یو ۱۳: ۳۵)؟ آیا عیسا ارتباط روحانی از طریق ایمان را محکم تر و مهم تر از رابطه ی طبیعی و انسانی نمی دانست؟ «چون مادر و برادرانش به دیدار او آمدند جواب داد کیست مادر من و برادر من... هر که اراده ی خدای پدر من را که در آسمان است به جا آورد همان برادر و مادر من خواهد بود» (مت ۱۳: ۴۶-۵۰).

جوان: البته خود می دانم که تعداد مسیحیان کلیسای من بیشتر از تعداد اعضای خانواده ی من می باشد زیرا همه ی امت آشوری را دربر می گیرد، و این موضوع در مورد کلیسای ارمنی نیز صادق می باشد.



پیر: در آن چه می گویی حقیقتی نهفته است؛ همان طور که خواهیم دید، کلیسای تو، مانند هر کلیسا محلی، ریشه در یک سنت، یک فرهنگ و یک قوم دارد ولی ایمان، امری مربوط به نژاد نیست، بلکه انتخابی است شخصی که به وسیله ی آن ما از عطیه ی خدا استقبال می کنیم. علاوه بر آن، به نظر تو، رسالت کلیسا در چیست؟ رسالت کلیسای تو چیست؟



جوان: بنابر آن چه مشاهده می کنم، در کلیسای من روزهای عید برای دعا و نیایش جمع می شوند، مدارس مخصوص کودکان آشوری را اداره کرده به فقرا کمک می کند. علاوه بر آن، کلیسا در لحظه های مهم زندگی هر فرد یعنی به هنگام تولد، ازدواج و مرگ حضور دارد و دعا می کند.

پیر: آن چه می گویی اشتباه نیست ولی کاملاً ناقص و سطحی باقی می ماند. فرض کن، شاگردان عیسا بعد از پنطیکاست به این اکتفا می کردند که انجیل را تنها به یهودیان اورشلیم بشارت دهند، آیا در این صورت تصور می کنی که آشوری ها یا ارمنی ها امروز مسیحی می شدند؟ اگر ما ایمان را یافته ایم، برای این است که آن را منتقل کنیم، و اگر آن را منتقل نسازیم، در معرض خطر از دست دادن ایمان قرار داریم.



پس باید کلام خدا را با دقت مطالعه و درک کنیم که کلیسای ما ابعاد جهانی دارد. فعلاً به این اکتفا کنیم که شروع نامه ی رسمی پاپ ژان پل دوم را بخوانیم که با جدیت تمام این موضوع را بیان کرد:

«مأموریت مسیح، نجات دهنده، که به کلیسا واگذار گشته است، هنوز فاصله ی بسیار زیادی با تکامل دارد. در حالی که هزاره ی دوم پس از ظهور مسیح به پایان خود نزدیک می گردد، نگرشی کلی به نژاد بشریت نشان می دهد که این مأموریت هنوز در راه آغاز است و ما باید از صمیم قلب، خود را متعهد به خدمت به آنها کنیم. روح القدس ما را وادار می سازد که کارهای عظیم را اعلام کنیم: «هرگاه

بشارت دهم برایم فخر نیست چون که مرا ضرورت افتاده است، بلکه وای بر من اگر بشارت ندهم!» (۱-قرن ۹:۱۶)

«من به نام کل کلیسا، به وظیفه‌ی خطیری خود که همان تکرار این فریاد پولس رسول است، پی برده‌ام. از آغاز مأموریت من به عنوان پاپ، من مسافرت به اقصا نقاط عالم را انتخاب نموده‌ام تا اهمیت این رسالت را نشان دهم. ارتباط مستقیم من با امت‌هایی که مسیح را نمی‌شناختند، مرا هر چه بیشتر به انجام دادن این رسالت و فوریت آن متقاعد کرد. و این موضوعی است که نامه رسمی را به آن اختصاص داده‌ام.

«شورای واتیکان دو در جستجوی تجدید زندگی و فعالیت کلیسا از نقطه نظر احتیاجات جهان معاصر است. شورا بر «طبیعت رسالت» کلیسا براساس یافتن راهی پویا بر رسالت تثلیثی تأکید دارد. بنابراین، بارفشار این رسالت به ماهیت محض زندگی مسیحی تعلق دارد. و هم چنین وحی و الهام وراء نهضت وحدت‌گرایی کلیساها می باشد: «تا همه یک باشند... تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای» (یو ۱۷:۲۱). «(مأموریت نجات‌دهنده‌ی ما شماره‌ی ۱) و حضرت پاپ تأکید می کند که: «در برخوردارهای عیسی با بت پرستان، به روشنی مشخص است که دسترسی به ملکوت به واسطه‌ی ایمان و توبه میسر می شود (ر.ک. مر ۱:۱۵) و نه صرفاً به واسطه‌ی تعلق به قومی خاص» (شماره‌ی ۱۳)

علاوه بر این اینک تعلیم رسمی که در خلاصه‌ی تعلیم کلیسای کاتولیک درباره‌ی کلیسا به عنوان قوم خدا می باشد را می خوانیم:

«خلاصه‌ی تعلیمات رسمی»

۱۵۳- چگونه کلیسا قوم خدا می باشد؟
 کلیسا قوم خداست به خاطر این که چنین پسند خدا آمد که انسان‌ها، نه به صورت انفرادی بلکه با متشکل کردن آنها به صورت یک قوم، گرد آمده در اتحاد پدر و پسر و روح القدس، تقدیس نموده و نجات دهد.
 ۱۵۴- مشخصات قوم خدا کدام می باشند؟
 این قوم که توسط ایمان آوردن به مسیح و تعمیدیافتن عضو آن می شود دارای مشخصات زیر است:
 منشاء: خدای پدر،
 رئیس: عیسی مسیح
 وضعیت: مقام و آزادی فرزندان خدا
 شریعت: فرمان نوین محبت
 مأموریت: نمک زمین و نور دنیا
 هدف: ملکوت خدا که بر زمین از پیش افتتاح شده است.
 ۱۵۵- به چه معنی قوم خدا در سه وظایف مسیح به عنوان کاهن، پیامبر و پادشاه شراکت می کند؟
 قوم خدا در وظیفه‌ی کهنات مسیح مشارکت می کند زیرا تعمیدیافتگان جهت تقدیم کردن قربانی‌های روحانی، توسط روح القدس تقدیس شده‌اند. به وظیفه‌ی نبوی او شراکت می کند زیرا از راه معنی فوق طبیعی ایمان، جاودانه به ایمان پای بند شده، فهم آن را عمیق تر تعمق کرده و به آن شهادت می دهد. و به وظیفه‌ی پادشاهی مسیح، توسط خدمت کردن، شراکت می کند یعنی با پیروی کردن عیسا، پادشاه گیتی که خادم همه، مخصوصاً فقیران و رنج دیدگان، گردیده است.

۲-راز مسیح-راز کلیسا

آن که باشد با چنان شاهی حبیب هر کجا افتد چرا باشد غرب

(مثنوی، دفتر دوم، ۱۱۶۶)

کسانی که در راز بدن و خون عیسای رستاخیز کرده مشارکت می کنند می توانند آنچه را که پولس قدیس در رساله خود به کولسیان (۳:۴) «راز مسیح» می نامد درک نمایند: «آن رازی که از دهرها و قرن ها مخفی داشته شده بود لیکن الحال به مقدسان او مکشوف گردید» (۱:۲۶). پس بیایید کوشش کنیم این راز را نه این که کاملاً «بفهمیم» زیرا بی نهایت بزرگ تر و عمیق تر از آن است که دانش بشری بتواند آن را «دریابد» یا به عبارت دیگر دانش بشری نمی تواند چیزهای بزرگ تر از خود را «در بر گیرد»، بلکه همانند پولس قدیس به هنگام رو به رو شدن با این راز در جاده دمشق، با شگفتی تمام در آن نظاره کنیم.

- ۱- مسیح، پسر مریم مانند ما انسان است. هر آن چه در او هست قابل انتقال به انسان های دیگر می باشد: پس برادر ماست و به همین سبب می تواند ما را نجات دهد.
- ۲- همین مسیح، یکتا پسر خدا، خود خداست، یکتا خدا چون پدرش و روح القدس. به همین دلیل است که او می تواند ما را با پدر متحد نماید.
- ۳- از راه مشارکت در تن و خون مسیح، با بدن او یکی می شویم در آن زندگی نوین رشد می کنیم و در الوهیت وی سهیم می گردیم. این بدن اسرارآمیز که از اتحاد سر(مسیح) با اعضاء(مشارکت کنندگان) تشکیل شده کلیسا نام دارد.
- ۴- سر بدن با به حرکت در آوردن اعضاء خود عمل می کند به همین ترتیب نیز مسیح با برانگیختن ایمانداران و اعضاء کلیسای خود در این دنیا عمل می کند. مسیح از طریق کلیسای خود در دنیا حاضر و فعال است و اعضاء کلیسا با گوش فرا دادن به کلام او به فرمان های سر جواب مثبت می دهند.
- ۵- عضو يك بدن عضو زنده ای نیست مگر این که خونی که از قلب خارج می شود از آن عبور نماید. به همین ترتیب، اعضاء کلیسا، اعضاء زنده ای نیستند مگر این که روح القدس در آنها جریان داشته، آنها را با یکدیگر و با آن سر متحد سازد.
- ۶- ایمانداران، علی رغم گناه خود، توسط روح القدس با بدن مسیح رستاخیز کرده متحد شده و به اعضاء بدن واحد یعنی مسیح تبدیل می شوند، مسیح توسط آنها سخن می گوید و عمل می کند و بدین طریق مأموریت او امروز در تمام دنیا ادامه می یابد و این حقیقتی است اسرارآمیز که راز کلیسا نامیده می شود.
- ۷- این راز مسیح یا راز کلیسا جنبه های فراوانی دارد که پولس قدیس آنها را در اول قرن نهم: ۴: ۱ «رازهای خدا» می نامد^۲ و عموماً آنها را «رازهای هفت گانه» می نامیم.

۲-رازهای هفت گانه عبارتند از: ۱-تعمید، ۲-تثبیت روح القدس، ۳-قربانی مقدس، ۴-ازواج، ۵-سنگذاری خادمین، ۶-اعتراف، ۷-تدهین بیماران درباره ی این موضوع در فصل ۱۰ تعمق خواهیم کرد.

۳- کهنات مسیح - کهنات کلیسا

غم مخور از دیده، کان عیسا تراست چپ مرو تا بخشدت دو چشم راست
(مثنوی، دفتر دوم، ۴۵۱)

الف - کهنات مسیح

عیسای خداوند که در عین حال هم خدا و هم انسان است رابطه ی بین خدا و انسان ها را برقرار نموده، چون او کلام خداست که تن گرفت، بنابراین، صدای خدا را به گوش انسان ها می رساند. از طرف دیگر را او پس از صعود به آسمان با طبیعت انسانی ما، در حضور خدا، پدر خود، شفیع انسان ها گردید «در حضور خدا به جهت ما ظاهر شد» (عبر ۹:۲۴) و آن چه را «چون که این را یک بار فقط به جا آورد هنگامی که خود را به قربانی گذرانید» (عبر ۷:۲۷) برای برادران، خود را به پدر تقدیم می کند. این کار یعنی شفاعت بین خدا و انسان ها که «کهنات مسیح» نامیده می شود^۳ و به همین نقش «کهناتی» است که در رساله به عبرانیان و نیز در تمام سنت مسیحیت به مسیح لقب کاهن اعظم داده شده است. از قبل هم در مزمو ۱۱۰:۵ که در رساله به عبرانیان (۷:۲۱) نیز نقل گردیده گفته شده بود: «تو کاهن هستی تا ابدآباد».



۲- کسانی که تعمق بیشتری در امر «راز مسیح اطالب هستند به خواندن قطعه های زیر از کتاب عهد جدید دعوت می شوند: روم ۱۲: ۶-۷؛ ۱-قرن ۱۲: ۴-۷؛ ۱-قرن ۱۰: ۱؛ افس ۱: ۲۰، ۲۱-۲۲؛ کول ۱: ۲۶-۲۷، ۳: ۴.

ب - کهنات کلیسا

در نتیجه، مسیح کاهن اعظم ماست، ولی همان طور که دیدیم مسیح در دنیا توسط بدن خود یعنی کلیسا عمل می کند و بنابراین توسط آن کلام، کلیسا صدای خود را به گوش دنیا می رساند. او کلیسا را در قربانی ای که از خود برای پدر می گذراند شرکت می دهد. مسیح بدون بدن خود کاری انجام نمی دهد، بنابراین، کلیسا کاملاً در کهنات مسیح سهیم است بدین معنی که برای عمل کردن در دنیا و نیز سخن گفتن با پدر خود، عیسا از هر یک از ما درخواست همکاری می نماید: «زیرا با خدا همکاران هستید» (۱-قرن ۳: ۹). هرگاه فرد مسیحی با محبت بر سر رنجوری خم شود دست مسیح است که دراز شده و زمانی که شخص مسیحی ایمان دار باید از پیش حقیقتاً عضو بدن مسیح شده باشد و روح القدس او را به صورت عضو بدن مسیح و «کاهن» حقیقی یعنی فردی که در کار مسیح و در کهنات مسیح سهیم است در می آورد.

به گونه ای که عیسا خود شفاعت می کند (عبر ۲: ۱۳)، هرگاه تعمید یافته ای تحت هدایت روح القدس تمام زندگی و هستی خود را در مشارکت با مسیح به پدر تقدیم کند (روم ۱۲: ۱) نوبر همه ی برادران خود خواهد بود (روم ۱۵: ۵ - ۱ - قرن ۱۶: ۱۵). در او همه ی کسانی که با وی پیوند خویشاوندی، ملی، دوستی و خدماتی دارند و خود را در مسیح به حضور پدر می آورند تقدیس می شوند، البته در صورتی که قلب ایشان این نور را از خود نرانند. بنابراین کلیسا فرستاده ای است که به مشارکت دعوت می کند. البته این موضوع «نوبر» را عمیق تر درباره ی هر تعمید یافته یا کلیسای محلی دوباره تعمق خواهیم کرد.

جوان: اگر خود عیسا تنها بدون همکاری کلیسا تمام مأموریتش را تا آخر انجام می داد خیلی آسان تر بود. پیر: با اگر کاری نداریم، چون در اتفاقات تاریخی خدا راز خود را ابراز می کند. ضمناً چون مسیح ما را آن قدر محبت کرد مأموریت خودش را به ما واگذار کرده و اطمینان داشت که با همکاری روح القدس می توانیم آن را به کمال برسانیم.



۴- مأموریت کلیسا دعوت کردن به مشارکت است

از محبت تلخ ها شیرین شود از محبت مس ها زرین شود

(مثنوی، دفتر دوم، ۱۵۲۹)

(قبل از خواندن متن ذیل، کتاب مقدس را بخوانیم: اش ۴۰: ۹، ۵۲: ۷؛ روم ۱۰: ۱۵)

الف - مقدمه: آیا آمدن پر جلال عیسی دچار تاخیر شده است؟

جوان: اگر مسیح و کلیسا یکی شده اند و اگر عیسا این قدر کلیسا را محبت می کند که داماد





نامیده شده است پس چرا به زودی نمی آید تا ما را با محبت خویش سیراب کند ما همه چون آن ده باکره (مت ۲۵: ۱) که چون داماد دیر آمد چراغشان خاموش شده، هستیم، چنین تأخیری چه معنایی دارد؟ پیر: خود عیسا به این سؤال تو پاسخ داده است: «لازم است که اول انجیل بر تمامی امت ها موعظه شود...» (مر ۱۳: ۱۰)، و رسولان چنین توضیح می دهند که صبر خداوند، نشانه ی محبت اوست: «خداوند در وعده ی خود تأخیر نمی نماید چنان که بعضی تأخیر می پندارند، بلکه بر شما تحمل می نماید چون نمی خواهد که کسی هلاک گردد، بلکه همه به توبه گرایند» (۲- پطرس ۳: ۹).



در واقع، بنا به مثل ده باکره ضروری است که در میان شب آوازی طنین افکننده، بگوید: «همانا داماد می آید!» چه کسی این فریاد را خواهد کشید؟ در مثل جشن عروسی اگر هیچ یک از خادمین دعوت را به گوش مدعوین نمی رسانند آیا باز هم امکان داشت که جشن عروسی برپا شود؟ در این صورت چه کسی می توانست در جشن شرکت جوید؟ (مت ۲۵: ۶: ۲۲: ۱-۱۰).



ما در این جا، علت وجودی کلیسا و مأموریت آن را می بینیم: عروس خداوند، تمامی امت ها، و تمامی فرهنگ ها را در کلیسا جمع آورده تا آنها را به حضور خداوند تقدیم کند. به همین دلیل است که «امت ها در نورش سالک خواهند بود و پادشاهان جهان (به نمایندگی از سوی امت ها) جلال و اکرام خود را به آن خواهند درآورد و دروازه هایش در روز بسته نخواهد بود - زیرا که شب در آنجا نخواهد بود - و جلال و عزت امت ها را به آن داخل خواهند ساخت» (مکا ۱۲: ۲۴-۲۶؛ رک. مت ۲: ۱۲-۱۲). روح القدس که کلیسای عروس را به سوی مصاحبت با داماد می برد، همه ی امت ها، قوم ها و فرهنگ ها را فرا می خواند که به این مصاحبت بیوندند. کلیسا به هیچ وجه اردوگاهی بسته به روی دنیا نیست: او عروس است و هدفش مشارکت افکار و اقوام مختلف در اتحاد و محبتی یگانه می باشد.

ب- رسالت عیسا

به عنوان یکتا پسر، عیسا از طرف پدر نزد ما فرستاده شده است و خود به خوبی از این مأموریت آگاه است (یوحنا ۵: ۳۷، رک. پاورقی ۴). علاوه بر این اعمال او در واقع اعمالی است که پدر به او سپرده است (یوحنا ۵: ۳۶) و هم چنین شاگردانش همان هایی هستند که پدر به او واگذار کرده است (یوحنا ۱۰: ۲۹)

۴- مأموریت عیسی از طرف پدر در انجیل یوحنا مکرراً اشاره شده است: ۳: ۱۷: ۴، ۴: ۳۴، ۵: ۳۴، ۶: ۲۳، ۷: ۲۸، ۸: ۲۹، ۹: ۴، ۱۰: ۱۲، ۱۱: ۱۴، ۱۲: ۲۴، ۱۳: ۱۷، ۱۴: ۱۸، ۱۵: ۱۷، ۱۶: ۱۷، ۱۷: ۱۸، ۱۸: ۱۷، ۱۹: ۱۷، ۲۰: ۱۷، ۲۱: ۱۷، ۲۲: ۱۷، ۲۳: ۱۷، ۲۴: ۱۷، ۲۵: ۱۷، ۲۶: ۱۷، ۲۷: ۱۷، ۲۸: ۱۷، ۲۹: ۱۷، ۳۰: ۱۷، ۳۱: ۱۷، ۳۲: ۱۷، ۳۳: ۱۷، ۳۴: ۱۷، ۳۵: ۱۷، ۳۶: ۱۷، ۳۷: ۱۷، ۳۸: ۱۷، ۳۹: ۱۷، ۴۰: ۱۷، ۴۱: ۱۷، ۴۲: ۱۷، ۴۳: ۱۷، ۴۴: ۱۷، ۴۵: ۱۷، ۴۶: ۱۷، ۴۷: ۱۷، ۴۸: ۱۷، ۴۹: ۱۷، ۵۰: ۱۷، ۵۱: ۱۷، ۵۲: ۱۷، ۵۳: ۱۷، ۵۴: ۱۷، ۵۵: ۱۷، ۵۶: ۱۷، ۵۷: ۱۷، ۵۸: ۱۷، ۵۹: ۱۷، ۶۰: ۱۷، ۶۱: ۱۷، ۶۲: ۱۷، ۶۳: ۱۷، ۶۴: ۱۷، ۶۵: ۱۷، ۶۶: ۱۷، ۶۷: ۱۷، ۶۸: ۱۷، ۶۹: ۱۷، ۷۰: ۱۷، ۷۱: ۱۷، ۷۲: ۱۷، ۷۳: ۱۷، ۷۴: ۱۷، ۷۵: ۱۷، ۷۶: ۱۷، ۷۷: ۱۷، ۷۸: ۱۷، ۷۹: ۱۷، ۸۰: ۱۷، ۸۱: ۱۷، ۸۲: ۱۷، ۸۳: ۱۷، ۸۴: ۱۷، ۸۵: ۱۷، ۸۶: ۱۷، ۸۷: ۱۷، ۸۸: ۱۷، ۸۹: ۱۷، ۹۰: ۱۷، ۹۱: ۱۷، ۹۲: ۱۷، ۹۳: ۱۷، ۹۴: ۱۷، ۹۵: ۱۷، ۹۶: ۱۷، ۹۷: ۱۷، ۹۸: ۱۷، ۹۹: ۱۷، ۱۰۰: ۱۷.

میان اولین پنطیکاست و جشن عروسی جهانشمول بره، رسالت کلیسا مطرح است که، با قدرت روح القدس، کار آن ادامه ی رسالت عیسا است. بنابراین، رسالت عیسا را بار دیگر یادآوری می کنیم. چون مأموریت کلیسای ما همان می باشد:

«روح خداوند بر من است

زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم

و مرا فرستاد تا شکسته دلان را شفا بخشم

و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم.

و تا کوبیدگان را آزاد سازم

و از سال پسندیده ی خداوند موعظه کنم». (لوقا: ۴: ۱۶-۱۹)؛

«پسر انسان آمده است تا گم شده را نجات بخشد». (مت ۱۱: ۱۸).

عیسا در محدودیت های زمانی و مکانی مختص نوع بشر زندگانی کرد. کار جهانشمول خود را تنها برای عده ای، طی چند سال و آن هم در یک گوشه ی دور افتاده از امپراتوری روم تحقق بخشید. با وجود این، مأموریت او جهانی است، یعنی باید هر فرد، هر کشور و هر فرهنگ را در برگیرد، «تا همه چیز در او به انجام رسد». (ر. ک افس ۱: ۱۰، ۲)



«من نور جهان هستم»

«شما نور جهان هستید»

ج- رسالت کلیسا

مأموریت کلیسا در واقع همان مأموریت مسیح است که شاگردان باید آن را ادامه و گسترش دهند: «ای پدر همان طور که تو مرا در جهان فرستادی، من نیز آنان را به جهان فرستادم» (یوحنا ۱۷: ۱۸). اما عیسی تنها شاهد امین و صدیق می باشد (مکاشفه ۳: ۱۴). البته این مأموریت برای انسان تنها غیر ممکن است، پس عیسی خود را با قربانی خود تقدیس کرد (یوحنا ۱۷: ۱۸-۱۹) تا روح القدس بر کلیسا بیاید (یوحنا ۱۹: ۳۰ و ۳۴، رک. ۷: ۳۶-۳۷). با مرگش بر صلیب (یوحنا ۱۹: ۳۰) «روح القدس را تسلیم کرد» و روز یکشنبه ی رستاخیزش او را به رسولان می دهد تا بتوانند مأموریتش را ادامه دهند: «چنان که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم. چون این را گفت، دمید و به ایشان گفت: «روح القدس را بیابید...» (یوحنا ۲۰: ۲۱-۲۲)

تنها یکتا پسر خدا می توانست به پدر قدوس شهادت دهد (یوحنا ۱: ۱۷). تنها همراه با مأموریت روح القدس رسولان می توانند مأموریت عیسی را ادامه داده با قدرت شهادت دهند (لوقا ۲۴: ۴۹، اعمال ۱: ۸ و ۲: ۱۴). در واقع بدون روح القدس مأموریت کلیسا غیر ممکن شده و خود کلیسا وجود ندارد.

عیسا به تأیید چنین گفت: «من نور جهان هستم.» (یوحنا ۱: ۹)؛

او خطاب به شاگردانش گفت: «شما نور این جهان هستید.» (مت ۵: ۱۴).

اما ما که گناه کاران بیچاره ای بیش نیستیم نمی توانیم تنها با اتکا به قوای خویش علت وجودی و رسالت عیسا، «پسر خدا» را تحقق بخشیم. در این جاست که روح القدس مداخله می کند. پس به خوبی روشن است که رسالت کلیسا، فعالیتی نیست که بتوان از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی کرد یا آن را تا زمان برآورده شدن کلیه ی نیازهای مسیحیان به تعویق انداخت. کلیسا برای خود زندگی نمی کند بلکه برای رسالت خویش که علت وجودی آن می باشد.

«شما مرا برنگزیدید بلکه من شما را برگزیدم و فرستادم تا بروید و میوه آورید و میوه ی شما بماند» (یوحنا ۱۵: ۱۶).

نمی توان ادعا کرد که شاگرد هستیم بدون این که حیات ایمان خود را در خدمت همگان بنهیم. کلیسا، و در آن هر فرد مسیحی، میان دو گرایش گرفتار آمده است، از یک سو همانند نامزدی است که برای روز عروسی دعوت می نماید. بنابراین، باید هر چه بیشتر برای ملاقات نهایی صبر نماید، همان اندازه برای بردن خبر خوش در میان امت ها تعجیل می کند: او می داند که تنها زمانی وارد مجلس جشن خواهد شد که همه ی مدعوین با او وارد مجلس شوند. چنین است تجربه ی پولس رسول در زندان: «بر حسب انتظار و امید من که، در هیچ چیز خجالت نخواهم کشید بلکه در کمال دلیری چنان که همیشه، الان نیز مسیح در بدن من جلال خواهد یافت خواه در حیات و خواه در موت، زیرا که مرا زیستن مسیح است و مردن نفع. لیکن اگر زیستن در جسم همان ثمر کار من است پس نمی دانم کدام را اختیار کنم زیرا در میان این دو، سخت گرفتار هستم چون که خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم زیرا این بسیار بهتر است. لیکن در جسم ماندن برای شما لازم تر است.» (فی ۱: ۲۰-۲۴).

بعد از شورای اسقفان واتیکان دوم و در نتیجه جلسه ی خاص اسقفان درباره ی بشارت انجیل، پاپ پل ششم در نامه ی رسمی مورخ هشتم دسامبر ۱۹۷۵ نوشت: «وظیفه ی رساندن مژده به تمام بشریت، تشکیل دهنده مأموریت اساسی کلیسا است (...) در واقع، رساندن مژده، فیض و دعوت خاص کلیسا و عمیق ترین هویت خود می باشد. کلیسا جهت رساندن مژده وجود دارد.» (اعلام مژده، شماره ی ۱۴).



جوان: اما کسانی که باید مژده را برسانند مبشرین هستند نه تمام مسیحیان!
 پیر: وقتی در یک کشور هنوز مسیح اعلام نشده و کلیسا اصلاً وجود ندارد، طبعاً درست می‌گویی، باید از کلیساهای محلی دیگر مبشرینی فرستاده شوند. اما وقتی در یک کشور، کلیسا حتا به صورت اقلیت وجود دارد، این مأموریت بر عهده‌ی خودش می‌باشد. و در ارتباط با کلیسا می‌توانیم آن چیزی که پولس رسول درباره‌ی خودش می‌نوشت بگوییم « وای بر ما اگر مژده را نمی‌رسانیم» (۱ قرن: ۹: ۱۶). و در نامه‌ی «مأموریت نجات دهنده‌ی ما» اعلام کرد: «بشارت دادن، همیشه و همیشه اولویت در مأموریت است. کلیسا نمی‌تواند فرمان آشکار مسیح را به یاد نیارود و نیز نمی‌تواند انسان را از این مژده محروم کند که همه مورد محبت خدا هستند و توسط او نجات می‌یابند.» (شماره ۴۴)، و می‌نوشت: «هیچ ایمان‌داری به مسیح و هیچ سازمان کلیسایی نمی‌تواند این وظیفه‌ی والا را نادیده بگیرد، یعنی رساندن مژده مسیح به همه‌ی مردم» (شماره ۳).

«خلاصه‌ی تعلیمات رسمی»

۱۵۰- مأموریت کلیسا چیست؟

مأموریت کلیسا این است که ملکوت خدا افتتاح شده توسط عیسیای مسیح را در میان همه‌ی امت‌ها اعلام و تأسیس کند. بر روی این زمین جوانه و شروع آن ملکوت، نجات می‌باشد.

۱۷۲- چرا کلیسا وظیفه دارد مژده را به تمام دنیا اعلام کند؟

زیرا مسیح این فرمان را داد: «رفته تمام امت‌ها را تعلیم دهید و به نام پدر و پسر و روح القدس آنان را تعمید دهید.» (مت ۲۸: ۱۹). این مأموریت طبق فرمان خداوند در محبت ابدی خدا سرچشمه می‌گیرد که یکتا پسر و روح خودش را فرستاد زیرا «او می‌خواست که همه انسان‌ها نجات یافته به معرفت حقیقت برسند.» (۱ تیمو ۲: ۴).

۱۷۳- چگونه کلیسا مأموریت خود را انجام می‌دهد؟

کلیسا با هدایت روح القدس در طول تاریخ بشر، مأموریت خود عیسا را ادامه می‌دهد. بنابراین مسیحیان وظیفه دارند مژده‌ای را که مسیح به همه داده، با دنبال کردن همان راهی که خود او طی نمود با حاضر شدن نیز به قربانی، حتا شهید شدن، اعلام کنند.

قسمت دوم: کلیسا به چه کسانی فرستاده شده است؟

۱- اعلام به همه ی ملت ها:



عیسا بعد از رستاخیزش فرمانی بسیار دقیق به رسولانش داد: «به تمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید.» (مر ۱۶: ۱۵).

مجمع واتیکان دو اعلام کرد: «هر کجا خدا دری را برای اعلام راز مسیح می گشاید (کول ۳: ۴)، خدای زنده و عیسا مسیح، که برای نجات همه فرستاده شد^۱، یقیناً و قاطعانه^۲ به همه ی انسان ها (مر ۱۶: ۱۵) اعلام می شوند (۱- قرن ۹: ۱۵؛ روم ۱۰: ۱۴). علت آن این است که غیرمسیحیانی که قلبشان به وسیله ی روح القدس باز می شود (اع ۱۶: ۴) در حالی که ایمان می آورند به سوی خداوند آزادانه بازگشت نمایند و به او صادقانه وصل می شوند چون او «راه، راستی و حیات» است (یو ۱۴: ۶)، خداوندی که تمام امیدهای درونی ایشان را رفع نموده و یا از آنها نیز فراتر می رود.» (به سوی ملل شماره ی ۱۳).



طبق این متن باید توجه کرد که روح القدس در قلب هر انسانی، بدون استثناء کار می کند، بنابراین هر شخصی می تواند زندگی خود را دگرگون سازد. ضمناً متون کتاب مقدس که در این جا، شورای اسقفان یادآوری کرده است، نشان دهنده ی این است که چقدر مأموریت مسیح و کلیسا مکرراً در کتاب مقدس اشاره شده است و دلیل بر آن بسیار ساده است: «خدا می خواهد که همه ی انسان ها نجات یابند» (۱ تیمو ۲: ۴).

پس همه زیر نظر پر لطف خدا زندگی می کنند و تنها کسانی که دعوت روح القدس را رد می کنند، در تنهایی و انزوا، دور از خدا و نجات که به همه ارائه شده است، می مانند.

پاپ ژان پل دوم در نامه ی خود تأکید می کند: «کلیسا پیشنهاد می کند و هیچ چیزی را تحمیل نمی کند.» (شماره ی ۳۹).

۱- (ر، ک، ۱ تس ۱: ۹-۱۰، ۱ قرن ۱: ۱۸-۲۱، غلا ۳: ۱، ۱۴: ۱۵-۱۷، ۱۷: ۲۲-۳۱)

۲- اع ۴: ۱۳، ۲۹، ۳۱، ۲۷-۲۸، ۱۳: ۴۰، ۱۴: ۳، ۱۹: ۸، ۲۶: ۲۸، ۳۱: ۲۸، ۲۲: ۲۳، ۲۳: ۳، ۷: ۴، فی ۱: ۲۰، افس ۳: ۱۲، ۶: ۱۹-۲۰

۲- نجات غیرمسیحیان

ای خدای با عطای با وفا رحم کن بر عمر رفته در جفا

(مثنوی، دفتر اول، ۲۱۸۹)

جوان: والدین من هم چون سایر اعضای متعدد خانواده ام مسیحی نیستند آیا می توانند نجات یابند یا بالاجبار محکوم شده اند؟



پیر: آیا فکر می کنی که این سؤال را به گونه ای دیگر می توان مطرح کرد؟ چون در واقع « لاجرم نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است بلکه از خدای رحم کننده می باشد » (روم ۹: ۱۶). بنابراین، اجازه دهید موضوع را این گونه مطرح کنیم: آیا خدا می تواند غیرمسیحیان را نجات دهد؟ البته گفته شده: « بیرون از کلیسا هیچ نجات وجود ندارد » از چه دیدگاهی این تعریف حقیقت دارد؟ از چه دیدگاهی این تعریف می تواند ناکامل و خطرناک باشد؟ پدران کلیسا، اغلب کشتی نوح را به عنوان یکی از نشانه های کلیسا بیان کرده اند: این تعریف هم چون مطلب بالا تا چه اندازه ای واقعیت دارد و تا چه اندازه ای خطرناک است؟



روشن است: البته نزد خدا هیچ چیز محال نیست. ولی الزاماً هر شخص باید آزادانه دعوت خدا را بپذیرد و در راستای نجات خود همکاری کند.

الف - خدا قادر است همه را نجات دهد و آن را می طلبد:

جوان: با این همه موضوع که درباره ی عیسا بحث کردیم به این نتیجه می رسیم که غیر از مسیح هیچ نجات دهنده ای نیست، و کسی که او را رد می کند نمی تواند به ملکوت خدا راه یابد و هم چنین خود عیسا تأکید کرده: « کسی که ایمان را رد کند محکوم خواهد شد » (مر ۱۶: ۱۶).



علاوه بر این، تعمید، ما را به کلیسا وارد می کند و این به مانند کشتی نوح است: چون کسی که به این دنیا وابسته است نمی خواهد بر آن سوار گردد، به نابدی می رسد (مت ۲۴: ۳۷-۳۹).

پیر: به خوبی دوباره تکرار کردید « اگر کسی ایمان را، رد کند... » اتفاقاً والدین تو مسیحی نیستند اما آیا اراده نموده اند که ایمان به مسیح را رد نمایند؟ آیا مثل تو توانستند عیسا را شناخته و سپس به او ایمان آورند؟ یا تعالیم غلط درباره ی عیسا آموختند که مانع و باعث شد که ایمان به عیسا را رد نمایند. می دانم که نمی توانی به درستی به این سؤال درباره ی والدینت جواب دهی، زیرا فقط خدا عارف بر قلوب انسان هاست. علاوه بر این، جمعیت کثیری نتوانستند عیسا را بشناسند، خواه آنانی که



قبل از آمدن او به دنیای ما زندگی می کردند، خواه آنانی که مژده ی نجات به ایشان نرسیده، خواه به دلیل تعلیم غلط یا ناقصی که به ایشان داده شده است...

درست فرمودید که عیسا گفت: «کسی که ایمان را رد کند محکوم خواهد شد» اما مواظب باش که تنها با تعمق بر یکی از آیات انجیل نتیجه گیری نکنی. آیا توجه کرده ای که مسیح زمانی که رسولان خود را فرستاد به ایشان این گونه فرمان داد: «در تمام عالم رفته جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید...» پس اجازه دهید که سؤالتان را به گونه ای دیگر مطرح کنم. در خانواده ی خود چه کرده اید که به مسیح شهادت دهید تا خویشان تو بتوانند او را شناخته و آزادانه تصمیم بگیرند و به او ایمان آورند؟ در واقع جهت نجات همه ی انسان ها، کلیسا را به تعجیل و می دارد که مسئولیت خود را نسبت به اعلام انجیل و شهادت دادن به مسیح را به عهده بگیرد. کلیسایی که خود تأسیس کرده و به آن مأموریت نجات را واگذار کرد: «همان طور که پدر مرا فرستاد من شما را نیز می فرستم» (یو ۲۰:۲۱).

در صفحات قبل، کلیسا را به عنوان بدن مسیح تعمق کردیم (باب پنجم، شماره ی ۴) و باید این حقیقت را بپذیریم... اما نتیجه ی تعلیمات مجمع اسقفان آن قدر قاطع و سخت نیست. بعد از یادآوری این که چگونه مسیحیان غیر کاتولیک به یکتا کلیسای مسیح وابستگی دارند، متن زیر درباره ی ارتباط ما بین کلیسا و افراد غیر مسیحی صحبت می کند:

«سرانجام آنانی که هنوز انجیل را دریافت نکرده اند، به طرق گوناگون با قوم خدا منسوب هستند. این امر در مورد قومی است که پیمان و وعده ها به آن قوم داده شده و از ایشان مسیح بر حسب جسم متولد گردید (ر. ک روم ۹: ۴-۵) این قوم به خاطر پدران همواره در نظر خدا گرامی خواهند ماند زیرا خدا نه از بخشیدن عطایای خود پشیمان می شود و نه از صدور عطایای خویش (ر. ک روم ۱۱: ۲۸-۲۹).

«اما هم چنین نقشه ی نجات شامل حال کسانی است که به وجود آفریننده اذعان دارند، نخست مسلمانی که با اقرار به حفظ ایمان ابراهیم، همراه با ما خدای بیگانه و رحیم که در روز آخر بشر را داوری می کند می ستایند، بیش از همه حائز اهمیت اند. هم چنین خود خدا از اشخاصی که در سایه ی او تصاویر، خدای ناشناخته را می جویند چندان دور نیست. زیرا اوست که به تمام انسان ها زندگی، نفس و هر عطای دیگری بخشیده است (ر. ک اع ۱۷: ۲۵-۲۸) و به عنوان نجات دهنده می خواهد که همه ی انسان ها نجات یابند (ر. ک ۱- تیمو ۲: ۴). در واقع کسانی می توانند به نجات ابدی دست یابند که بدون هیچ تقصیری از جانب خویش، از انجیل مسیح یا کلیسای او بی اطلاعند، لیکن صمیمانه در جستجوی خدا بوده و برانگیخته از فیض، به وسیله ی اعمال خود در تلاشند تا اراده ی او را آن چنان که در وجدان شان ملزم می شوند به جا آورند» (نور جهان شماره ی ۱۶).



جوان: پس فقط اشخاصی که به خدا ایمان ندارند نمی توانند نجات یابند.

پیر: در برابر این موضوع، شورای اسقفان چنین پاسخ داده می گوید:

«بشر با تعمق بر وجدان خویش، قانونی را می یابد که او بر خود ننهاده است اما باید تابع آن باشد. ندای قانونی که همیشه او را به محبت کردن و انجام عمل نیکو و اجتناب از شرارت دعوت می کند، در لحظه مناسب باطناً به او می گوید: «این کار را بکن و از آن کار اجتناب نما.» زیرا بشر در قلب خود قانونی دارد که خدا آن را نگاشته است. منزلت او به رعایت این قانون بستگی دارد و به واسطه آن مورد داوری قرار خواهد گرفت.^۳ وجدان انسان، اصلی ترین راز او و در واقع قدس اوست. او در آن جا با خدایی که صدایش در اعماق وی طنین انداز است، تنهاست. این قانون به طریقی استثنایی به وسیله وجدان شناخته می شود و در محبت خدا و همسایه به می رسد.^۴» (شادی و امید شماره ی ۱۶).

«بدون شک کسانی که با اراده ی خود سعی می کنند تا خدا را از قلب خویش بیرون کنند و از تمام موضوعات مربوط به مذهب بپزهیزند، چون طبق تصمیم وجدان خود عمل نمی کنند بی گناه نیستند نه از مورد ملامت قرار گرفتن خلاصی یافته اند. اما خود ایمانداران درباره ی این موضوع تا اندازه ای مسئولیت دارند. زیرا، به طور کل، از ابتدا انکار خدا در ذهن بشر وجود نداشت. این ذهنیت به علل گوناگون به وجود آمد که از آن جمله باید عکس العمل انتقادی علیه مذهب و در برخی موارد، علیه مسیحیت را برشمرد. پس ایمانداران در مورد افزایش انکار خدا می توانند مسئولیتی نه اندک داشته باشند. هرگاه ایمانداران به تعلیمشان در مورد ایمان بی توجهی نشان دهند یا تعالیم آن را به غلط ارائه نمایند و یا حتی در زندگی مذهبی، اجتماعی یا اخلاقی خود کوتاهی نمایند، می توان گفت که به جای آشکار ساختن طبیعت واقعی خدا و مذهب در واقع آن را کتمان نیز می کنند.» (شادی و امید شماره ی ۱۹).

«در ضمن، حکمت الاهی از هیچ کمکی برای نجات، حتا آنانی که بدون آن که مستوجب سرزندی باشند، هنوز به معرفت روشنی از خدا نرسیده اند، اما به خاطر وجود فیض او سعی در گذراندن یک زندگی نیکو دارند روی گردان نیست، هر نیکویی یا هر حقیقتی که بافت می شود برای انجیل است. کلیسا چنین کیفیت هایی را برای روشن ساختن همه انسان ها می داند تا آن که سرانجام آنان حیات را یابند. متأسفانه انسان ها اغلب در حالی که از آن شریر فریب خورده اند، گرفتار منطق پوچ و باطل گشته و حقیقت خدا را به یک دروغ مبدل نموده اند و آفریده را به جای آفریننده خدمت می کنند (ر. ک روم ۱: ۲۱-۲۵)، و هستند کسانی که با زندگی و مرگ در دنیای بدون خدا تحت قدرت ناامیدی مطلق می باشند. در نتیجه، کلیسا برای انتشار جلال خدا و نجات همه و این انسان ها

۳- ر. ک روم ۲: ۱۵-۱۶.

۴- ر. ک مت ۲۲: ۳۷-۴۰؛ غلا ۱۴: ۱۴.

با توجه کامل به فرمان خداوند که گفت «جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید» (مر ۱۶:۱۶) با جد و جهد کار رسالتی خود را تقویت می کند» (شورای واتیکان دوم «نورملل» شماره ۱۶).

جوان: بنابراین، نجات مسیح، فقط برای مسیحیان نیست!

پیر: البته خدا، غیرمسیحیان را می تواند نجات دهد، زیرا او با محبت خویش نجات همه ی مخلوقات خود را می خواهد، همان طور که پولس رسول می گوید: «فیض خدا که برای همه ی مردم نجات بخش است ظاهر است» (تیط ۲:۱۱) کلیسا این حقیقت را نیز به ما یادآوری می کند.

چنین است تعلیم شورای اسقفان:

«همه ی انسان ها فراخوانده شده اند تا به قوم جدید خدا متعلق باشند، بنابراین، این قوم بایستی با حفظ وحدت و یگانگی در سراسر جهان توسعه یافته و در تمام اعصار زیست نماید، تا آن که مقصود اراده ی خدا به کمال رسد. در ابتدا، خدا طبیعت بشری را در یگانگی آفرید و پس از پراکنده شدن فرزندان، سرانجام، او اعلام کرد که همه باید به وحدت دوباره برسند (ر. ک یو ۱۱:۵۲). به همین هدف بود که خدا، پسر خود را فرستاده و او را وارث همه چیز قرار داد (ر. ک عبر ۲:۲)، تا آن که او استاد، پادشاه و کاهن همگان، سر قوم جدید و پسران خدا که در تمام دنیا گسترش یافته، باشند. سرانجام به خاطر همین امر، خدا، روح القدس را به عنوان خداوند و بخشنده حیات فرستاد. او که جهت تمام کلیسا و جهت همه ی ایمان داران و تک تک آنان، مبدأ جمع آوری و اتحاد ایشان در تعلیم رسولان در مشارکت برادرانه و در تقسیم نان و در نیایش با یک دیگر می مانند (ر. ک اع ۲:۴۲)» (نور جهان شماره ۱۳).

ب - عیسا مسیح، یکتا منجی و واسطه ی ماست:



جوان: این مطالب را برای افراد کاتولیک که وفادار می مانند و هم چنین مسیحیان دیگر به خوبی درک می کنم ولی برای غیرمسیحیان، خیر، زیرا مسیح تنها نجات دهنده ی همه ی ماست (اع ۴:۱۲) چگونه یک نفر غیرمسیحی می تواند نجات یابد؟

پیر: کاملاً حق دارید. زیرا طبق انجیل، مسیح تنها نجات دهنده ی تمام دنیاست (یو ۴:۱۲:۱ یو ۴:۱۴:۲) حتا اسم او به این حقیقت اشاره می کند چون معنی کلمه ی عیسا به معنای یهوه نجات می دهد

(مت ۱: ۲۱) می باشد. در واقع او آن پسر یکتای خدا است که انسان شد و نجات کل بشریت را به عهده گرفت و آن بره ی خدا که گناه جهان را بر می دارد (یو ۱: ۲۹). بنابراین، او یکتا واسطه مابین خدا و انسان می باشد: یا تنها راه اجباری انسان هایی که می خواهند به پدر آسمانی برسند. او یکتا خداوند زندگان و مردگان است (۱-قرن ۸: ۶).

بنابراین، کلیسایی که او تأسیس کرده و مأموریت خود را جهت نجات همگان به آن واگذار نموده، تنها وسیله ای که به ما داده که توسط آن می توانیم به ملکوت خدا برسیم (ر. ک عبر ۷: ۱؛ ۱۰: ۱۸).

جوان: به نظرم پذیرش این تعلیم سخت و دشوار است که آیا واقعاً تنها کلیسا راه نجات را که توسط مسیح به او داده شده در بر دارد و آیا تنها کلیسا حقیقت کامل را در بر دارد؟
پیر: تعجب شما را به خوبی درک می کنم، زیرا این تأکید می تواند بسیار سخت و اغراق آمیز باشد، اما با نقاط دیگر ایمان به هم پیوسته و هم آهنگی دارد: عیسا تنها نجات دهنده ی جهان است و خود او کلیسا را بنا نهاد.

به صورت خلاصه، پاپ ژان پل دوم، در نامه ی رسمی خود، دو نکته مهم را به ما تعلیم می دهد:

۱- «مسیح یکتا پسر خدا و نجات دهنده همه می باشد.

«هیچ کس جز به واسطه ی من، نزد پدر نمی آید» (یو ۱۴: ۱۶)، اگر به آغاز کلیسا بازگردیم، ما به وضوح در می یابیم که بر آن حقیقت تأکید شده است که مسیح تنها نجات دهنده ی همه است، تنها کسی که قادر است خدا را مکشوف و ما را به سوی او راهنمایی کند. در پاسخ بزرگان مذهب یهود که از رسولان درباره ی شفای مرد علیل سؤال کرده بودند، پطروس می گوید: «همه ی شما و تمام قوم اسرائیل بدانید که به نام عیسا مسیح ناصری است که این مرد در برابران تندرست ایستاده است، به نام همان که شما بر صلیب کشیدید، اما خدا او را از مردگان برخیزانید... در هیچ کس جز او نجات نیست، زیرا زیر آسمان نامی جز عیسا به آدمیان داده نشده تا بدان نجات یابیم» (اع ۴: ۱۰، ۱۲). این اعلام که در برابر شورای عالی یهود ایراد گردیده، دارای ارزشی جهانی است، زیرا برای تمام مردم، خواه یهودی و خواه غیریهودی به طور یکسان، نجات تنها از راه عیسا مسیح است. (...)

«یوحنا ی قدیس در انجیل خود بر فیض نجات جهانی مسیح که دیدگاه های او اعم از رسالت، فیض و مکشوف ساختن حقیقت است به صراحت بیان می دارد» سخن آن نور حقیقی است که هر انسانی را منور می گرداند «(یو ۹: ۹). از دیدگاه حقیقت «هیچ کس هرگز خدا را ندیده است، یکتا پسر که در آغوش پدر است، همان او را شناساند» (یو ۱۸: ۱۸؛ ر. ک مت ۱۱: ۲۷). اما الهام خدا توسط یکتا پسرش قاطع، و کامل شده است: «در گذشته، خدا بارها و از راه های گوناگون به واسطه ی

پیامبران با پدران ما سخن گفت، اما در این زمان های آخر به واسطه ی پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و به واسطه ی او قرون را آفرید.» (عبر ۱: ۱-۲ ر. ک یو ۱۴: ۶). خدا در این کلام قاطع با مکشوف ساختن خود، به کامل ترین طریق ممکن خود را شناسانیده است. او به انسان گفت که او چه کسی است. این الهام قاطع خدا، که خدا درباره ی خودش به ما داد، خود دلیل اساسی می باشد که کلیسا در ذات خود دارای مأموریت می باشد. کلیسا نمی تواند مرده را اعلام نکند یعنی این حقیقت کامل که خدا درباره ی خود به ما شناسانده که کامل بودن حقیقت است.

«مسیح، تنها واسطه بین خدا و انسان است: «زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسا است، او که با دادن جان خود، بهای نجات جمله آدمیان را پرداخت. بر این حقیقت در زمان مناسب شهادت داده شد، و من به همین منظور برگماشته شدم تا واعظ و رسول و معلم ایمان راستین برای غیریهودیان باشم. حقیقت را بیان می کنم و دروغ نمی گویم» (۱- تیمو ۲: ۵-۷؛ ر. ک عبر ۴: ۱۴-۱۶). لذا انسان نمی تواند وارد مشارکت با خدا گردد، مگر به وساطت مسیح و در اثر عمل روح القدس. میانجی گری یگانه و جهان شمول او، بی آن که مانعی بر سر راه رسیدن به خدا باشد، تاریخی است که خود خدا آن را به وجود آورده و مسیح کاملاً از آن آگاه است. منظور این نیست که میانجی گری هایی از نوع و نظام دیگر مورد قبول نیست اما آن ها همگی مفهوم و ارزش خود را صرفاً از میانجی گری مسیح دریافت می کنند و نمی توانند موازی و مکمل آن تلقی شوند.»

ج - راه های غیر مسیحیان به سوی نجات:

البته، چون عیسا یکتا نجات دهنده ی ماست، بنابراین «بیرون از کلیسا نجات وجود ندارد»، اما برای وارد شدن به کلیسا راه های مختلفی وجود دارد.

جوان: حال بهتر درک می کنم که کلیسا آنانی را که مسیحی نیستند با تکبر اخراج نمی کند، اما خوب درک نمی کنم که چگونه و از چه راه هایی این افراد غیر مسیحی می توانند با عیسا مسیح در کلیسا ارتباط پیدا کنند و توسط او نجات یابند.

پیر: البته راه های خداوند راه های ما نمی باشند و اسرار آمیز هستند و با ما نیست که کاملاً آن را درک کرده و محدودیت های راه های خداوند را مشخص کنیم. خداوند می گوید: «افکار من، افکار شما نیست، و تاریخ های شما، تاریخ های من نی، چنان که آسمان از زمین بلندتر است هم چنان که تاریخ های من از تاریخ های شما و افکار من، از افکار شما بلندتر میباشد.» (اش ۵۵: ۸۹). پس با علم به این که راز خداوند را تا انتها درک نمی کنیم به تو دو راه نجات را اشاره می کنم که در کتاب مقدس روشن و واضح به نظر می آید.



۱-نوبر:

قطعاً می دانی که در زندگی معمولی، نوبر چیست، اولین میوه ی درخت و اولین خوشه ی درو یا نخست زاده ی ما در خانواده می باشد. در عهد قدیم، ایمان داران می بایست نوبر محصول یا گله ی خود را به صورت قربانی به خدا تقدیم دارند (خروج ۲۲: ۲۹). اما درباره ی فرزند، حق نداشتند او را قربانی کنند، می بایست او را توسط قربانی کردن بره یا حیوان دیگری باز خرید کنند (لوقا ۲۳: ۲۴؛ خروج ۱۳: ۱۱-۱۶). با این تقدیم نوبر، یهودیان، ایمان خود را ابراز می کردند که خدای یکتا سرور تمام خلقت و سرچشمه ی تمام زندگی می باشد. بنابراین، همه چیز از آن او می باشد و نوبر تقدیم شده نماینده و بیانگر تمام محصولات می باشد، و علاوه بر این، یادآوری شد که توسط خون بره ی عید گذر همه ی نخست زادگان عبری در مصر باز خرید شده نجات یافتند بنابراین از آن خدا هستند. در عهد جدید، این موضوع را باید با تعمق بیشتری بررسی نمود. در مرحله ی نخست، عیسا مسیح یکتا پسر خدا که خود را به عنوان نوبر تمام خلقت نوین به پدر تقدیم نمود و نخست زاده ی همه ی مردگان می باشد و همه ی کسانی که در ایمان خفته اند به سوی خود می کشاند (۱-قرن ۱۵: ۲۰-۲۲). مسیح نه تنها به عنوان نوبر به پدر تقدیم شده و همیشه در همبستگی با تمام محصول بشری مانده (یوحنا ۱: ۱۴-۴) بلکه کاهن بزرگ نیز می باشد و همیشه نزد پدر زنده (عبر ۷: ۲۵) این نوبر را به او تقدیم می کند و راه را جهت تمام انسان ها به سوی پدر باز کرده و ما را به سوی خود می کشاند (یوحنا ۱۲: ۳۲).

اما درباره ی ما مسیحیان، یادآوری کنیم چگونه پولس، مسیحیان نوین را نوبری می نامد که کشور خودشان آنان را به پدر تقدیم کرده اند (روم ۱۶: ۵؛ ۱-قرن ۱۶: ۱۵). یعقوب در نامه ی خود (۱۸: ۱) این موضوع را روشن تر بیان می کند. ایمان دار تعمید یافته از راه این تولد نوین، نوبر تمام خلقت شده که به خدا تقدیم شده است. هم چنین در مکاشفه ی یوحنا (۴: ۱۴) می خوانیم که همه با خرید شدگان توسط خون بره که وفادار مانده اند، نوبر شدند که به خدا تقدیم گردیده است. بنابراین، چون از راه راز تعمید، مسیحیان نوبر هستند تمام محصول را به سوی خدا می کشانند و به او تقدیم می کنند. علاوه بر این، توسط تعمید در مسیح یکتا کاهن بزرگ ما (عبر ۹: ۱۱-۱۴) خودشان کاهنان در خدمت بشر شده اند و امت کهنانتی (۱-پطرس ۲: ۹؛ مکا: ۶: ۵: ۱۰؛ ر. ک خروج ۱۹: ۶) که باید جهت نجات همه قربانی سپاس گزاری را بگذرانند (عبر ۱۳: ۱۵) همان طور که کاهنان عهد قدیم، قربانی ها را جهت نجات قوم در معبد اورشلیم می کردند (عبر ۵: ۱).



جوان: این همه ی توضیحاتی که دادید بسیار جالب و زیباست ولی به نظر می آید که از سؤال که: چگونه غیر مسیحیان می توانند در مسیح نجات یابند، دور شده ایم.





پیر: باید اندکی دقت کنید: اگر تو در ایران مسیحی هستی این نه فقط فیض خداوند است، بلکه خود این مأموریت می باشد، زیرا در واقع تو توسط تعمید نوبر خانواده و همسایگان و تمام این کشور شده ای. همان طور که اپینتس نوبر شد که منطقه ی آسیا او را به مسیح تقدیم کرده بود «حبیب من اپینتس را که برای مسیح، نوبر آسیا است سلام برسانید» (روم ۱۶: ۵). در واقع، تو یک فرد تنها و منزوی نیستی که کاملاً جدا از برادرانت نجات یافته ای: زیرا تو با خانواده ی خود که در آن تربیت یافته ای و بزرگ شده ای صمیمی هستی و همین طور با کشور و تمدنت که به تو گنجینه ای از ارزش های روحانی و انسانی داده است، همبستگی داری. و همان طور که نوبر تقدیم شده به خدا ارزشی ندارد مگر به عنوان نمونه ی تمام محصول، به همان گونه تو نیز تمام آنانی که تو را رشد و نمو داده اند، و با تقدیم خود به مسیح، آنان را به او تقدیم می کنی.

علاوه بر این، با راز تعمید در مسیح، کاهن شده ای و در خدمت همه ی خوبشاوندان خود، و به اسم ایشان تو خود را تقدیم می کنی. بنابراین، راز تعمید تو نه تنها باعث نجات خودت می گردد، بلکه راه نجاتی است برای همه ی آنانی که با تو همبستگی دارند و در تاریکی خدا را می جویند. بنابراین، تو مسیحی شده ای تا در خدمت آنانی باشی که نتوانستند یا نمی توانند مسیح را به روشنی بشناسند. پس با فیض و قدرتی که در راز تعمید یافته ای می توانی مأموریت خود را هم به عنوان کاهن و هم به عنوان نوبر به عهده بگیری، چنان چه کوشش کنی بهتر و عمیق تر مسیحی و هم چنین جدی تر ایرانی شوی. در این صورت خواهی دید که راه نجات غیر مسیحیان این نیست که تو دنبال فردوس خیالی در این دنیا بگردی، بلکه جایگاه تولد و زندگی خود را به عنوان دعوت خدایی پذیرفته و از طریق راز تعمید، راز عیسا مسیح تن گرفته را ادامه خواهی داد.

۲- رفتار ما با فقیران همان رفتار ما با عیسا می باشد:

در کلام عیسا درباره ی داوری آخر، به راه دیگری جهت نجات همه ی انسان ها اشاره شده است، روایت متا را در ۲۵: ۳۱-۴۶ با دقت بخوانیم و از خود این سؤال را مطرح کنیم که چه اشخاصی نجات خواهند یافت، آیا فقط مسیحیان؟

عیسا به شاگردان فرمود:



«اما چون پسرانسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آن ها را از همدیگر جدا می کند. به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: «بیایید ای برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است به میراث گیرید. زیرا چون گرسنه بودم مرا طعام دادید و تشنه بودم

سیرابم کردید و غریب بودم مرا جا دادید و عریان بودم مرا پوشانیدید و مریض بودم مرا عیادت نمودید، در حبس بودم به دیدار من آمدید. «آن گاه عادلان در پاسخ گویند: «ای خداوند کی گرسنه ات دیدیم تا طعامت دهیم یا تشنه ات یافتیم تا سیرابت نماییم یا کی تو را غریب یافتیم تا تو را جا دهیم یا عریان تا بپوشانیم و کی تو را مریض یا محبوس یافتیم تا عیادت کنیم؟». پادشاه در جواب ایشان گوید: «هر آینه به شما می گویم آن چه به یکی از این برادران کوچکترین من کردید به من کرده اید». (مت ۲۵: ۳۱-۴۰)

در نتیجه آیا فقط آنانی که ایمان عمیقی دارند و زیاد دعا می کنند نجات خواهند یافت؟ خیر، نجات یافتگان آنانی خواهند بود که هنگامی که با یک شخص فقیر رو در رو می تواند صدای روح القدس در وجدان خود را شنیده و با دقت و خدمت مؤثر به این شخص او را به عهده گرفته و با او برادر می شوند. در واقع، بدین طریق برادر عیسای مسیحی می شوند که با آن که پسر خدا بود بر روی صلیب از همه ی فقیران این دنیا ضعیف تر و افتاده تر شد. حتی اگر کسی هیچ وقت عیسا را نشناخته و هرگز مزده ی او را نشنیده ، پس زمانی که با فقرا تماس دارد، در حقیقت با عیسای مسیح تماس دارد و مرکز داوری، در رفتار او نسبت به فقراست که نجات یابد یا محکوم شود. بنابراین، چون همه وجدان دارند می توانند خادم فقرا شوند، در این صورت عیسای مسیح را پذیرفته و توسط او نجات می یابند (ر. ک. مر ۱۴: ۷)

به مانند آن شخص سامری خوب اگر ارتباط عمیق با یک بیچاره برقرار کنیم ما در خانواده عیسا آن فقیر وارد می شویم.

فقرا ما را در ملکوت خدا پذیرایی خواهند کرد اگر مثل آن شخص دولتمند که ایلعازر بیچاره را بر دم در خود نادیده گرفته بود رفتار نکنیم (لو ۱۰: ۳۳-۳۷؛ ۱۶: ۲۰-۲۷).

در نامه ی خود پاپ ژان پل دوم به روشنی بیان کرده است: «جهانی بودن این نجات بدین معنی نیست که این نجات تنها به کسانی که آشکارا به مسیح ایمان دارند و وارد کلیسا شده اند، عطا شده است اگر نجات برای همه معین گردیده است، باید واقعاً به همه تقدیم شود. اما واضح است که امروزه، همانند گذشته، بسیاری از مردم فرصت شناخت یا پذیرفتن الهام مزده ی نجات یا ورود به کلیسا را ندارند. شرایط اجتماعی و فرهنگی که آن ها در آن زندگی می کنند، این اجازه را به آن ها نمی دهد، و آن ها اغلب با رسوم مذهبی دیگر تربیت یافته اند. برای چنین اشخاصی نجات مسیح، امکان پذیر است ولی توسط فیض خاصی که، با علم به این که یک ارتباط رازگونه با کلیسا دارا می باشد به آن (کلیسا) آن ها را عملاً وارد نمی کند، بلکه این نجات مسیح به صورت منطبق با طرز فکر و محیط ایشان آنها را منور می سازد. این فیض از مسیح ناشی می گردد، که نتیجه ی قربانی او است و به واسطه ی روح القدس منتقل ساخته است. این فیض هر شخصی را قادر می سازد که همراه با همکاری آزادانه ی خود به نجات دست یابند.

«به همین دلیل شورای واتیکان دو، پس از صحنه گذاشتن بر مرکزیت راز گذر، اعلام می دارد

که «این راز نه تنها برای کسانی که به مسیح ایمان دارند، بلکه برای همه ی مردمی که خوش نیت هستند و فیض به شکلی رازگونه در قلب هایشان کار می کند صدق می کند از آن جایی که مسیح برای همه جان سپرد و فراخوانی نهایی انسان، واقعاً واحد یعنی خدایی می باشد باید بپذیریم که روح القدس به همه ولی از راهی که خدا از آن آگاه است که امکان شراکت در راز گذر تقدیم می دارد. (نظام نامه شبانی «شادی ها و امیدها» شماره ی ۲۲) (شماره ۱۰)

«شمایل فرو رفتن یکتا پسر خدا در هاویه»



مسیح، بر صلیب از همه فقیرتر و بی چاره تر شده، بنابراین نمونه ی هر شخص فقیر شده است (مت ۲۷: ۴۶، عبر ۵: ۷) به عنوان آدم نوین قربانی شده در زندان مردگان گناه کار فرو رفته و آدم و حوا و همه ی فرزندان عادل آن ها را به زندگی نوین خود دعوت می کند: (ر.ک. مت ۲۷: ۵۱-۵۴ و ۲۸: ۲، ۱ پط ۳: ۱۹-۲۰)

۳ - امتیاز مسیحیان

جوان: اگر چنین است پس چرا مسیحی شده ایم و چه برتری از راه تعمید داریم؟
پیر: برای ما، ایمان و راز تعمید، یک فیض بزرگ خداوند است که به ما نه به خاطر شایستگی خودمان بلکه از راه انتخاب آزاد خدا، که با پری محبت ما را دعوت کرده، که حتا در این زمان و در این دنیا او را بشناسیم، و معنی زندگی و تجربیات سخت را در او درک کنیم. چون امروز محبت خدایی که ما را این قدر محبت می کند، تمام زندگی ما را حتا در ایام سخت و تاریک و روشن منور می سازد. و در این انتخاب خدا ما را دعوت می کند که به محبت او، توسط محبت ما، به دیگران



شهادت دهیم و «نور جهان» گردیم توسط او که مطلقاً آن «نور جهان» می باشد (یو: ۱: ۹: ۸: ۲۱ مت: ۵: ۱۴-۱۶)، پیش و قبل از داوری انتخاب شدیم (افس: ۱: ۵-۱۲) تا در او زندگی کنیم و با او بمانیم، و در مأموریتی که پدر به او داده است شریک شویم و این همان محبت عظیم خدا برای مسیحیان می باشد.

تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک حقیقتی را که قبلاً درباره ی تعمید، تعمق نمودیم، تحت عنوان مخلوق چنین بیان می دارد: «تعمید نه تنها پاک کننده از تمام گناهان است، بلکه تازه ایماندار را نیز «مخلوقی جدید» می سازد، فرزند خوانده خدا که مبدل به «شریک طبیعت الاهی» شده است، یعنی عضو مسیح و هم میراث با او، و معبد روح القدس.» (شماره ی ۱۲۶۵).

اما، پاپ ژان پل دوم، در نامه ی رسمی خود (شماره ی ۱۱) حتا تأکید می کند که به مسیحیان این امتیاز داده شده، که نه تنها در شناختن عیسای مسیح، نجات دهنده ی خود، بلکه با مشارکت در زندگی نوین او، هم چنین سهم در مأموریت او شوند:

«چرا مأموریت؟ زیرا به ما نیز همان طور که به پولس رسول این فیض عطا شد، «این فیض عطا شد که بشارت غنای بی قیاس مسیح را به غیریهودیان برسانم.» (افس: ۳: ۸). تازگی زندگی در او، «مژده» برای انسان ها در همه ی ادوار است: همگان به آن فراخوانده شده اند و مقدرشان این می باشد. در واقع، همه ی مردم در جستجوی آن «مژده» می باشند، البته گاهی به طریقی مبهم، و همه حق دارند که ارزش این عطیه را بدانند و آزادانه به آن نزدیک گردند، کلیسا و در آن هر شخص مسیحی وابسته به کلیسا نمی تواند این تازگی و غنایی را که از عطایای خدا به منظور منتقل ساختن آن به همه ی انسان ها دریافت شده است، پنهان و یا انحصاری کند.

«به همین دلیل است که مأموریت کلیسا نه تنها از فرمان خداوند، بلکه از نیازهای عمیق زندگی خدا در درون ما سرچشمه می گیرد. کسانی که در کلیسای کاتولیک شرکت دارند باید امتیاز خود را احساس کنند و درست به همین دلیل وظیفه عظیم تر خود را که شهادت دادن به ایمان و زندگی مسیحیت به عنوان خدمتی به برادران و خواهران خود و پاسخی مناسب به خدا است در نظر بگیرند. آنها باید همیشه در مد نظر داشته باشند که «منزلت ممتاز آنها به علت شایستگی آنها نیست، بلکه آنها مدیون فیض خاص مسیح می باشند، و اگر آنها به این فیض در افکار، گفتار و اعمال خود پاسخگو نباشند، نه تنها نجات نمی یابند بلکه به شدت بیشتری داوری خواهند شد» (واتیکان دو، اقرارنامه درباره ی کلیسا، شماره ی ۱۴).

البته فراموش نکنیم که اغلب مسیحیان با رفتار و طرز زندگیشان سبب شهادت دادن به مسیح می شوند و این رفتار سبب تفکر بعضی از برادران ایرانی ما می گردد که در نتیجه، تشنه ی مژده مسیح می گردند.